

دور نشویم

○ زینب یزدانی



- عنوان کتاب: قصه‌های شیرین قابوس نامه
- گردآورنده: مرجان کشاورزی آزاد
- تصویرگر: رامین مشرفی
- ناشر: پیدایش
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۰۸ صفحه
- بها: ۶۵۰ تومان

کتاب ماه کودک و نوجوان / آذرماه ۱۳۷۹

عبارتی در متن اصلی کتاب قابوس نامه وجود دارد که متأسفانه، در کتاب «قصه‌های شیرین قابوسنامه» از قلم افتاده است. در متن اصلی قابوس نامه، این گونه می‌خوانیم: «لشکر را بفربیانیدند و در میان این شغل من بودم که عبداللهام و مردم را من سوگند دادم و این کار را من بدین جای رسانیدم.»

(گزیده قابوس نامه، به کوشش دکتر یوسفی، ص ۱۲۵)

در متن بالا، عبارت «در میان این شغل من بودم» که به معنی دوست داشتن عبدالله، در شورش مردم است، در کتاب «قصه‌های شیرین قابوسنامه» نیامده و همین امر، به مفهوم اصلی متن لطمه زد. و موجب شده است خواننده نوجوان، از مفهوم دقیق متن قابوس نامه دور شود.

و یا در صفحه ۴۸ کتاب، هنگامی که سادات عرب از کنار شهریانو، دختر یزدگرد، شاه ایران، می‌گذشتند تا شهریانو یکی را به عنوان همسر انتخاب کند، وقتی نوبت به حضرت علی(ع) می‌رسد، شهریانو در مورد او چنین می‌گوید: «مردی بزرگوار است، اما من از فاطمه زهرا(س) شرم دارم.»

در این قطعه، دقیقاً معلوم نمی‌شود که حضرت علی(ع) در چه موقعیتی قرار داشته است. آیا حضرت فاطمه زهرا(س) در این زمان در قید حیات بود یا نه؟ اما هنگامی که به متن اصلی قابوس نامه مراجعه می‌کنیم، معلوم می‌شود که در این زمان، حضرت فاطمه(س) در قید حیات نبوده است، متن اصلی چنین است: «مردی سخت بزرگوار است و سزای من است، اما مرا بدان جهان، از فاطمه زهرا رضی‌الله عنها شرم آید، از این جهت نخواهم.»

(گزیده قابوس نامه، ص ۱۵۵)

نبرد سادگی و روانی در مقدمه، گفته شده که در این کتاب، مجموعه گزیده‌ای از حکایت‌های شیرین قابوس نامه، به زبانی ساده بازنویسی شده است. متأسفانه، در بعضی از موارد، نه تنها این قصه‌ها به زبانی ساده بازنویسی نشده، بلکه نسبت به متن اصلی، مشکل‌تر به نظر می‌رسد و به زبان امروزی نزدیک نیست. برای نمونه، در صفحه ۳۰، این گونه می‌خوانیم: «هارون از جای برخاست و گفت: راستی که معنی و تعبیر خواب همان است که خوابگزار اول گفت؛ ولی عبارت را از عبارت فرق بسیار است.»

عنصرالمعالی، در این قسمت، زیباتر و شیواتر سخن گفته است: «تعبیر از آن بیرون نشد اما از عبارت تا عبارت بسیار فرق است.»

(گزیده قابوس نامه، ص ۵۲)

هم‌چنین، در صفحه ۵۹ این مطلب ذکر شده است: «مرد گفت: زندگانی قاضی دراز یاد! این مرد سال‌ها با من دوست بود، روزی به کنیزی عاشق شد...»

عبارت «به کنیزی عاشق شد» عبارتی امروزی نیست و بهتر بود گفته می‌شد «عاشق کنیزی شد». در واقع، بازنویس قصه‌های قابوس نامه، این جا تحت تأثیر سبک کتاب قابوس نامه قرار گرفته است. با ذکر متن اصلی قابوس نامه، می‌توان به این نتیجه دست یازید: «زندگانی قاضی دراز بود. این مرد مردی بود چند ساله دوست من. اتفاق افتاد که بر پرستاری عاشق شد...»

(گزیده قابوس نامه، ص ۱۸۷)

مغایرت نام کتاب با محتوای اصلی کتاب معمولاً نام کتاب، معرف متن اصلی است، اما کتاب «قصه‌های شیرین قابوسنامه» علاوه بر ذکر قصه به پند و



بازنویس یک اثر ادبی، باید به اصل امانت‌داری پایبند باشد و از هر گونه بدعت در یک اثر ادبی بپرهیزد. بازنویس باید به همان نتیجه‌ای دست یازد که نویسنده در نظر داشته است.

در کتاب «قصه‌های شیرین قابوسنامه» متأسفانه، اصل امانت‌داری در بعضی از داستان‌ها مورد توجه قرار نگرفته و خانم مرجان کشاورزی، با حذف قسمتی از متن اصلی، خواننده را در ابهام قرار داده است. در حالی که در متن اصلی قابوس نامه، چنین ابهامی وجود ندارد. برای نمونه، در صفحه ۴۶ کتاب، از شخصی به نام «عبدالله» سخن به میان می‌آید که به همراه پنج سیه‌سالار دیگر، علیه پادشاه خود، شمس‌المعالی، می‌شورد و او را روانه زندان می‌کند. هنگامی که شمس‌المعالی، از عبدالله می‌پرسد که چرا علیه او قیام کرده، عبدالله چنین پاسخ می‌دهد: «آنان لشکریان را فریب دادند و من مردم را سوگند دادم و کار را به این جا رساندم، ولی تو آن را از من و از این پنج کس مبین. از خود بین که فرمان قتل بسیاری از مردم را صادر کردی.»

عبارت «من مردم را سوگند دادم و کار را به این جا رساندم» مفهوم دقیق و درستی ندارد و منظور نویسنده متن اصلی را به خواننده انتقال نمی‌دهد. هنگامی که به متن اصلی قابوس نامه مراجعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم

عبارت‌ها را با تو ببخشند!



حتی در پایان بعضی از قصه‌ها،
باز نویس،
به طور مستقیم
به پند و اندرز خوانندگان می‌پردازد
و نتیجه‌گیری اخلاقی می‌کند



شکست دادن یک زن فتح نیست.» (۵۶)
در بعضی از عبارات با تکرار حرف «را» مواجه هستیم.
های شیخ! از تو رفتاری عجیب دیدم. تمام صبح تا ظهر
را اصرار کردی و یک قیراط زر را از من گرفتی و حالا آن
را به شاگرد من بخشیدی.» (ص ۶۳)
استفاده فراوان از کاما نقطه (: یکی دیگر از
اشکالات ویرایشی کتاب است. معمولاً کاما نقطه برای
جدا کردن جمله‌هایی که به لحاظ ساختمان و مفهوم،
مستقل به نظر می‌رسند، ولی در شکل‌گیری یک عبارت
طولانی، با یکدیگر اشتراک دارند، به کار می‌رود.

در تعدادی از عبارات این کتاب، بدون این که چنین
شرایطی برای به کارگیری کاما نقطه وجود داشته باشد،
از آن استفاده شده است: «با آن که فتح شنا کردن را به
خوبی نیاموخته بود؛ ولی چنان وانمود می‌کرد که همه
چیز را آموخته است.» (صص ۱۲ و ۱۳)
در صفحه ۲۴ نیز این نکته مشاهده می‌شود: «امیر
مردی خردمند بود؛ پادشاهی بزرگ و عادل و سیاستمدار؛
پاکدین و عاقبت‌اندیش.»

کم‌دقتی ناشر، در صحت و درستی شناسنامه کتاب،
یکی دیگر از موارد قابل ذکر است. بر روی جلد کتاب،
اسم گردآورنده (مرجان کشاورز) نوشته شده است، اما در
اطلاعات فیفا، نام گردآورنده «مرجان کشاورزی آزاد» و
در شناسنامه کتاب، «مرجان کشاورزی» معرفی شده است!
در پایان کتاب نیز فهرست اعلام آورده شده که
توضیحات آن، نامشخص است و معلوم نیست که این
توضیحات از کجا گرفته شده. بهتر بود مرجع و منبع
اصلی آن توضیحات، مشخص می‌شد تا بر اعتبار و
درستی آن می‌افزود و سندیت توضیحات اعلام را که
مطمئناً از فرهنگ‌های متفاوت برداشته شده، مسجل
می‌کرد.

پایان سخن

اصل پرداختن به این کار، یعنی معرفی و شناساندن
متون ادبی گذشته و کلاسیک به نوجوانان، در خور توجه
است و امید است بازنویسان و باآفرینان محترم، تلاش
بیشتری کنند تا در حین بازنویسی، از متن اصلی دور
نشوند و مفاهیم نهفته در آن را برای نوجوانان آشکار
کنند.

اندرز می‌پردازد و صفحات جداگانه‌ای نیز به این امر ۷۹ عین این جمله تکرار می‌شود.
اختصاص می‌دهد.

حتی در پایان بعضی از

قصه‌ها، بازنویس، به طور
مستقیم به پند و اندرز
خوانندگان می‌پردازد

و نتیجه‌گیری

اخلاقی می‌کند.

گاهی نیز پند و

اندرز و سخنان

حکمت‌آمیز، در

صفحات جداگانه،

به صورت تکراری

نقل می‌شود. برای

نمونه، در صفحه ۲۸

چنین می‌خوانیم:

«مقدمه نیکی شرم

است و مقدمه بدی،

بی‌شرمی است» که دقیقاً

همین مطلب در صفحه ۹۰

بلون هیچ تفسیری، تکرار می‌شود.

هم‌چنین، در صفحه ۳۹ این‌گونه می‌خوانیم:

«در آب مردن، به‌که از وزغ امان خواستن». در صفحه

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹

۳۹



کتاب ماه کودک و نوجوان / آذر ماه ۱۳۷۹

